

پیامبر برحق

در شماره‌های پیش نظریات عده‌ای از متفکران و دانشمندان غربی را درباره پیامبر اسلام و دین جهانی او از لحاظ خوانندگان محترم گذرانیدیم؛ اینک قسمتی دیگر از این نظریات را که گروهی دیگر از خاورشناسان دانشمند؛ پیرامون رهبر بزرگما اظهار داشته اند می‌نگاریم، و توجه خوانندگان گرامی را به بررسی دقیق آن جلب می‌کنیم:

۱۷ - رودلف توراک سوئدی (۱۸۵۲ - ۱۹۲۰) استاد زبانهای شرقی در دانشگاه «براک»، در یکی از تألیفاتش که درباره اشعار «ابوفراس حمدانی» و زندگانی وی به زبان آلمانی نوشته است در صفحه ۱۳ مینویسد:

«تردید نیست که محمد پیغمبر غربی. از وحی آسمانی سخن میگفت. محمد برای دعوت همه مردم جهان آمده بود، و دعوتش با معجزات روشنی مقرون بود. همین معجزات آشکار نیز بزرگترین گواه برای اثبات مدعای اوست، (برای ما هم شایسته نیست آراء او را که آثار صداقت و راستی از آن هویدا است، رد کنیم. بنابراین محمد پیامبر برحق است، و سزاوار است که از او پیروی کنند. کسی که با تعالیم محمد آشنائی ندارد، نمی‌باید او را به بدی یاد کند. شریعت و تعالیم محمد مجموعه کمالاتی است که او برای عموم مردم آورده است.»

دینی بزرگ برای جهانیان

۱۸ - بالمر خاورشناس انگلیسی (۱۷۹۵ - ۱۸۸۳) که قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است، در مقدمه آن مینویسد: «محمد تعالیم و دینی بزرگ برای جهانیان آورد که

اگر بشریت انصاف می‌داشت آنرا می‌پذیرفت و مانند چراغی فرا راه خود قرار می‌داد .
 محمد از لحاظ اخلاق و صفات برجسته بسیار بزرگ بود . دین و احکامی پراج نیز برای
 مردم آورد . من اگر مبالغه نکنم ، می‌گویم : دین محمد ؛ تعالیم و نظامات و قوانینی برای
 مردم آورد که در ادیان سابق نظیر نداشت . بهمین جهت بود که مردم دسته دسته به آن
 می‌گرویدند و آنرا بعنوان دین و اعتقاد خود می‌پذیرفتند ، زیرا نوعی زندگی روحانی و تعالیم
 استوار را در آن می‌یافتند .

پیغمبر ، سیاستمدار ، حاکم ، سخنور توانا ، فرمانده کاردان

۱۹ - ژان پروا فرانسوی که از خاورشناسان مشهور است و دارای تألیفات عدیده
 میباشد ، در کتاب «محمدناپلئون آسمان» ترجمه «محمد صالح بندق» صفحه ۵۲ مینویسد :
 « اولین و آخرین هدف محمد ابلاغ رسالت خویش به همه مردم جهان بود . گرفتاری
 خانوادگی و اشتغال به زندگی به هیچوجه او را از ادای این رسالت باز نمیداشت ، با اینکه
 قریش و اهالی مکه باوی از درستیز وارد شدند ، و برضد او توطئه ها چیدند و همه قبائل را
 بجنگ باری بسیج کردند مع الوصف پیغمبر در آن اوقات مأور جنگ ، با آنها نشد ؛ و تجاوز
 را با تجاوز پاسخ نداد !

ولی بعد از آن تجاوزات متعدد ، از جانب خداوند وحی آمد که اکنون جنگ با متجاوزان
 برای تو جایز است بدینگونه : «خدا اجازه میدهد به کسانی که مورد هجوم قرار گرفته اند که
 چون مظلوم هستند در مقام دفاع برآیند ، و بدانند که خداوند قادر است آنها را یاری کند .
 اینان کسانی هستند که ظالمانه از شهر و دیارشان رانده شده اند ، مگر اینکه متجاوزان بر-
 گردند و خدا پرست شوند» (۱) «با کسانی که شمارا میکشند پیکار کنید ولی از حد تجاوز ننمائید
 که خداوند متجاوزان را دوست نمیدارد» (۲)
 تا آنجا که میگوید : «محمد پیغمبری مجری قانون خدا و سیاستمدار و حاکم بزرگ ، و
 سخنوری توانا و فرماندهی عالیمقام و کاردان بود . او هر چند وارد یکی از دانشگاه های روم و
 مدرسه های از مدارس علمی ایران نشده بود ؛ ولی با این وصف چندان نامش بالا گرفت که در

(۱) اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدير ، الذین اخرجوا من ديارهم

بغير حق الا ان یقولوا ربنا الله . سوره حج آیه ۳۹

(۲) وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تمتمدوا ، ان الله لایجب المعتقدین . سوره بقره

میان جامعه عرب هیچکس به شهرت او نرسید .

محمد مرد توداری نبود که کارهای خلاف اخلاق را جایز بداند؛ و مردم را به ارتکاب آن وادارد. او توانست با دعوت خویش شهر مکه مرکز عربستان را از آلودگیها پیراسته گرداند.

رسول محبت و برادری

۲۰ - یوسف نعیم عرافه لبنانی در ضمن خطابه‌ای که در سالروز ولادت حضرت ختمی - مرتبت (ص) سال ۱۳۴۶ هـ در «دارالمعلمین» بیروت ایراد نمود گفت : «محمد اساس محبت و برادری را در بین ما پی ریزی کرد . او مسیحیان را دوست میداشت و آنها را گرد می‌آورد بهمین جهت می‌بینم هنوز سال ششم هجرت به پایان نرسیده بود که با عموم مسیحیان مخصوصا راهبان ایشان ، پیمان بست که از آزار رساندن به آنها جلو گیری بعمل آورد ؛ و کلیساها و دیرهای آنان را در حمایت خود گیرد ؛ و نگذارد که به هیچیک از اسقفان نصارا ظلمی برسد ؛ و کسی را ناگزیر نسازد که دین خود را ترک گوید ، و آنها را در اصلاح دین و دیرهاشان یاری نماید . چنانکه قرآن وی نیز محبت مسیحیان را نسبت به مسلمانان و مودت به ایشان بازگو می‌کند . آیه شریفه : «خواهی دید که نزدیکترین اهل کتاب نسبت به مؤمنین کسانی هستند که می‌گویند ما نصارا هستیم ، و این نیز بدان سبب است که بعضی از آنان روحانی و راهب می- باشند و از تکبر به دورند» (۳) از اهمیت و میزان دوستی بین طرفین سخن میگوید . حتی در قرآن این صداقت در بسیاری از اوقات شامل بنی اسرائیل هم میشود .

ما میدانیم که آنچه پیمبران خدا موسی و عیسی و محمد آورده‌اند بمنظور اصلاح جهان بوده است نه برای ویرانی و نابودی آن . سه کتاب آسمانی که از آسمان نازل شده (تورات ، انجیل و قرآن) نیز همگی نوری هستند که از یک دریچه بیرون آمده و در سه شمع منعکس شده و هر سه نیز راه زندگی جامعه بشری را روشن ساخته‌اند .

مرد پاك و معصوم

۲۱ - جان اروکس انگلیسی در کتاب «بزرگان تاریخ» صفحه ۸۳ مینویسد: «سراغ نداریم که محمد پیامبر اسلام در تمام دوران زندگی مرتکب يك کار خلاف شده باشد؛ بدین لحاظ او را مردی بزرگ میدانیم .

درود خدا بر محمد

۲۲ - ماکس دانشمند آمریکائی در کتاب «روح و ماده» که به زبان عربی ترجمه شده است صفحه ۱۷ مینویسد : « خداوند روح اسلام را به محمد وحی کرد تا آنرا برای

(۳) ولتجدن افریهم مودة للذین آمنوا الذین قالوا اننا نصاری، ذلك بان منهم قسمین و ربنا وانهم لا یتکبرون . سوره مائده آیه ۸۲

مسلمانانی که تعالیم معتدل دین او را قرائت میکردند و یادداشت مینمودند؛ تفسیر کند . از اینجا میدانیم کسی که خداوند تعالیم و احکام دین خود را به او وحی میکند ، حتما باید از هر گونه آلودگی پیراسته، و از همه مردم برتر و بهتر باشد . پس درود خداوند بر محمد!

طراح يك تمدن بزرگ

۲۳ - اسپن پالاسیوس میکال خاورشناس اسپانیایی (۱۸۷۱ - ۱۹۴۴) عضو مجمع علمی در دمشق که راجع به تأثیر متقابل فرهنگ اسلام و مسیحیت مطالعات زیاد نموده و چندین کتاب درباره محمد غزالی و ابن حزم اندلسی نوشته است ؛ در کتابی که راجع به «غزالی» تألیف کرده است پس از تخطئه گفتار برخی از نویسندگان غربی که سخنان بی اساس درباره پیامبر اسلام گفته اند ، مینویسد : «نظر ما درباره محمد اینست که وی يك سوسیالیست الهی بود و سوسیالیسم او نیز ویژگی خاصی داشت . سوسیالیسم ؛ منشأ پیدایش دین او نبود ؛ بلکه ایمان کامل وی به خالق خویش ؛ و اعتقاد به خداوند جهان و فداکاری در راه انتشار دعوت الهی بود که موجب شده موفقیت و پیروزی کامل نائل گردد ؛ و از این راه تمدنی بزرگ به وجود آورده که بتواند انسانها را در خود جذب کند

دنیای مذموم

بقیه صفحه ۱۳

کند باز هم چه فرق میکند که آن چیز خدا باشد یا غیر خدا ؟

یا اینکه فرقا است میان ایدآل قرار گرفتن خدا و غیر خدا ، خدا تنها وجودی است که بندگی او عین آزادی است ، و در او گم شدن عین به خود آمدن و شخصیت واقعی خود را بازش یافتن است اگر چنین است مینا وریشه و بنیادش چیست ؟ و چگونه میتوان آنرا توجیه کرد ؟

به عقیده ما در اینجا مابه یکی از درخشانترین و مترقی ترین معارف انسانی و اسلامی برسیم . اینجا یکی از جاهائی است که علو و عظمت منطق اسلام از یک طرف و حقارت و کوچکی منطقهای دیگر از طرف دیگر نمودار می گردد .

در شماره بعد به این دو پرسش پاسخ میگوئیم .

کلمه «لا اله الا الله» که پایه اساسی بنای اسلام است بر نفی و اثباتی، سلمی و ایجابی، کفری و ایمانی، تمردی و تسلیمی، استوار است ؛ نفی و سلب و کفر و تمرد نسبت به غیر حق ؛ و اثبات و ایجاب و ایمان و تسلیم نسبت به ذات حق

شهادت اول اسلام يك «نه» فقط نیست همچنانکه تنها يك «آری» نیست ، ترکیبی است از «نه» و «آری» اگر کمال انسانی و تکامل شخصیت انسانی ایجاب میکند که انسان از هر قیدی و هر اطاعتی و هر تسلیمی و هر بردگی رها و آزاد باشد و در مقابل همه چیز «عصیان» بورزد و استقلال داشته باشد (آنچنانکه اگر یسانسیالیسم میگوید) چه فرقی میکند که آن چیز خدا باشد یا غیر خدا ؟ و اگر بناست انسان اسارتی و اطاعتی و قیدی و تسلیمی بپذیرد و در يك نقطه توقف